



مبلغان نمونه

این شماره: سید اسماعیل کریمی سروکلایی
مبلغ نمونه هجرت بلند مدت

● آیا برای حل مشکلات تبلیغ و روش برخورد با مسائل مختلف، آموزشهای خاصی لازم است؟ این آموزشها تا چه اندازه مؤثرند؟

○ آموزشها بسیار مؤثر هستند؛ زیرا در آنها از روشهای مختلف و از تجارب بزرگان استفاده می شود. یادم هست یک سال، قبل از ماه مبارک رمضان، استادمان حجت الاسلام سید احمد خاتمی در یکی دو جلسه درباره سخترانی در آن ماه مبارک صحبت می کردند. استاد، در یک قسمت از صحبتهای خود فرموده بود که سعی نکنید در سخترانی، شنوندگان را

● حضرتعالی عوامل افزایش جمعیت مخاطبان را در چه چیزهایی می دانید؟

○ ارتباط اجتماعی قوی، صبر و حوصله زیاد در گوش کردن به مشکلات اهالی، تبلیغ چهره به چهره، گشاده رویی در برخورد با اهالی و جوانان، بی طرفی در مشکلات و اختلافات محل تبلیغ، برخورد پدران در رسیدگی به امور اهالی.

باید مردم را با عمل خود به سوی خدا بخوانیم. همچنین لازم است متواضعانه برخورد کنیم و منطقی باشیم تا مردم ما را از خودشان بدانند و سخن ما تأثیر کند.

حل گرفتاریها تلاش می‌کنم. روش دیگر، آشنایی با مشکلات دیگران است که بسیاری از مراجعه کنندگان، وقتی متوجه مشکلات بزرگ دیگران می‌شوند مشکل خودشان را خیلی کوچک می‌بینند.

بعضی مخاطبان، مشکل اقتصادی دارند که در صورت امکان کمکهای مردمی و زکات به صورت آبرومندانه به آنان داده می‌شود. گاهی نیز افرادی را به کمیته امداد معرفی و کارشان را پیگیری می‌کنم. در این باره چند مورد داشتیم که تحت پوشش کمیته امداد قرار گرفتند.

بعضی هم، مشکل اداری دارند که اگر کاری از دستم برآید، به شرطی که حقی از دیگران ضایع نشود، برای رفع آن، تلاش می‌کنم.

● رابطه شما با هیئت امنای مسجد چگونه است؟ چگونه با هم تعامل دارید؟
○ برای اولین بار که برای دیدن روستای محل تبلیغ آمده بودم، جلسه‌ای با هیئت امنا و معتمدان روستا داشتم. آنان گفتند که برای ماه مبارک رمضان، فلان مبلغ، و در ماه محرم،

مطلب باران کنید؛ مثلاً در یک سخنرانی، ۱۰ حدیث، ۲۰ آیه و ۳۰ شعر بخوانید؛ بلکه سعی کنید مطالب خوبی آماده کنید و همان مطالب را با آرامش و با احساس بیان کنید. این سخن، خیلی مؤثر بود و باعث شد همان سال، تبلیغ مؤثر و خوبی داشته باشم.

● برای ارتقای رفتارهای بهنجار و اخلاقی محل تبلیغ چه می‌توان کرد؟
حضرتعالی در این خصوص چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

○ در بیشتر موارد، تبلیغ چهره به چهره و درگیر کردن افراد به کارهای فرهنگی به گونه‌ای که خودشان را متولی یکی از کارهای فرهنگی بدانند مؤثر است.

● به کسانی که جهت کمک و یاری به شما مراجعه می‌کنند چگونه یاری می‌رسانید؟

○ بعضی از افراد که مراجعه می‌کنند مشکلات روحی دارند؛ یعنی فکر می‌کنند که یک دنیا مشکل دارند؛ ولی در واقع، معضلی ندارند. بیشتر با گفتگو و گفتن روایات و آیات، برای

محل تبلیغ گذشته بود و شناخت کافی از اهالی پیدا کرده بودم، دیدم وضع مسجد، بسیار نامناسب است. نه نمایی دارد، نه سرویس بهداشتی زنانه‌ای و نه وضوخانه‌ای. سرویس بهداشتی و وضوخانه مردانه هم خیلی کثیف و نامناسب بود و واقعاً در شأن مسجد نبود.

خلاصه، در روز عید فطر، صمیمانه با اهالی صحبت کردم که اثر کرد. گفتم اولین کسی که پول می‌دهد خودم هستم و دومین نفر هم خانمم است که یک قطعه از طلاهای خود را داد. آن روز، خیلی پول و طلا جمع شد و خیلی از افراد قول دادند که کمک کنند. چند روز بعد، نماکار برای مسجد آوردیم. وقتی مردم دیدند واقعاً مسجد در حال آباد شدن است، پول و کمکها مثل سیل آمد.

کارهایی را که انجام شد، نام می‌برم:

۱. آجرنمای چهار طرف مسجد و کتیبه‌گذاری؛

۲. سنگ کاری و سفید کاری ورودی مسجد؛

فلان مبلغ می‌دهیم و ماهانه هم، فلان مبلغ می‌توانیم کمک کنیم و بیشتر نمی‌توانیم.

من در همان جلسه گفتم آقایان، من برای پول اینجا نیامدم. نیامدم که درباره پول و مسائل مادی صحبت کنم. تنها انتظاری که از شما دارم این است که مرا در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی یاری کنید که بحمد الله این سخن تأثیر گذاشت و تاکنون هم درباره مسائل مادی، صحبتی با هیئت امنا نداشته‌ام. البته ایشان، کمکهای خوبی می‌کنند.

جالب اینکه تمام کارهایی که در مسجد انجام می‌شود، اول با این حقیر هماهنگی می‌شود و بدون هماهنگی و مشورت، کاری انجام نمی‌شود.

● برای جذب کمکهای مردمی به مسجد، چه روشی دارید؟ این روش چقدر مؤثر بوده است؟

○ وقتی مردم بدانند کمکی که برای کارهای خیر می‌دهند، واقعاً در آن زمینه هزینه می‌شود، با طیب خاطر کمک می‌کنند.

پس از یک سال که از حضور در

تمامی این برنامه‌های عمرانی و ارشادی با هزینه‌های مردمی انجام شد. عوامل موفقیت در این زمینه عبارت‌اند از: توکل بر خدای رحیم و کریم، هماهنگ بودن هیئت امناء، هیئت عزاداری و شورا با روحانی، اخلاص و نیز هماهنگ بودن با رابط هجرت و سازمان تبلیغات در برنامه‌های فرهنگی.

در منطقهٔ ماکشاورزی و دامداری رونق دارد. هر سال، یک‌بار دامهایی، جمع‌آوری و در مزایده فروخته می‌شود. آنچه از این راه به دست می‌آید، تحت نظر روحانی و هیئت امناء برای امور خیریه هزینه می‌شود. همچنین پولی که در ماه محرم جمع می‌شود - که مبلغ قابل توجهی است - تحت نظر روحانی و هیئت امناء در امور خیر هزینه می‌شود.

● نظر خود را دربارهٔ مجلهٔ مبلغان بفرمایید. چه استفاده‌هایی از آن کرده‌اید؟
○ مجلهٔ مبلغان مجلهٔ بسیار خوبی است. بنده از قسمتهای تبلیغی در ایام و مناسبتها و تجربیات بزرگان و علما بسیار استفاده کرده‌ام.

۳. احداث سرویس بهداشتی و وضوخانهٔ زنانه.
۴. تعمیر و نوسازی سرویس بهداشتی و وضوخانهٔ مردانه؛
۵. موزائیک کاری حیاط بیرونی مسجد؛
۶. توسعهٔ بنای زینبیه؛
۷. احداث سرویس بهداشتی و وضوخانه با تمام امکانات برای زینبیه؛
۸. نمای بیرونی و داخلی حسینیه و زینبیه؛
۹. خرید زمین برای خانهٔ عالم و واگذار کردن به سازمان تبلیغات؛
۱۰. خرید یک قطعه زمین برای یکی از فقرای محل و واگذاری به بهزیستی برای ساخت خانه؛
۱۱. برنامه‌های فرهنگی، از قبیل: برگزاری یاوارة شهدا در هر سال، شبی با شهدای گمنام که حدود ۷۰۰ نفر اطعام شدند، نماز باران و پخت آش نذری برای ۱۰۰۰ نفر که بازتاب وسیعی داشت و در فروردین ۱۳۸۷ ش در شبکهٔ استانی سمنان و شبکهٔ ۱ و ۲ پخش شد و برگزاری کلاسهای تابستانی.

● یکی از خاطرات شیرین خود را برای خوانندگان بیان بفرمایید.

○ در طول این چند سال هجرت، خاطرات خوبی دارم که یکی از آنها را بیان می‌کنم:

وقتی دوستان و فامیل به سفرهای زیارتی، به ویژه مکه و مدینه می‌رفتند، حسرت می‌خوردم و در مخیله من نمی‌گنجید که مکه بروم. سال گذشته (۱۳۸۶) اواخر فروردین بود که هنگام بعد از ظهر، فکر می‌کردم که خدایا آیا روزی ما می‌شود که مکه برویم؟

در همین فکر بودم که غروب شد و برای اقامه نماز جماعت به مسجد رفتم. بعد از نماز مغرب و عشا به منزل آمدم. نشسته بودم که تلفن زنگ زد. گوشی را برداشتم. رابط هجرت استان سمنان، حاج آقای رضوی بود. گفت: «آقای کریمی مکه مشرف می‌شوی؟» گفتم: «بله.» گفت: «پول داری؟» گفتم: «اگر خدا بخواهد پولش را هم فراهم می‌کند.» گفت: «پس اسمت را می‌دهم به هجرت، شما هم گذرنامه را آماده کن.»

واقعاً باور نمی‌کردم که به مکه و

مدینه مشرف بشوم و این را یک موهبت الهی دانستم. و پیش خودم فکر کردم شاید به خاطر چهار سال حضور و تبلیغ و فعالیت در یکی از نقاط گرمسیر کشور، خدا این توفیق را به من داده است. این سفر زیارتی را صرفاً دعوت از طرف حضرت حق دانستم. دو ماه نکشید که به مکه رفتم. این ماجرا از خاطرات شیرین زندگی من است.

بدرقه و استقبال اهالی در بازگشت از این سفر، بسیار چشمگیر بود و وقتی آمدم تمامی هزینه‌های پذیرایی از مهمانها و شام را اهالی دادند که واقعاً مرا شرمند و محبت‌های خودشان کردند. پدر خانمم می‌گفت: «وقتی دیدم این همه مردم برای استقبال تو آمدند، اشک از چشمانم در آمد.» راست می‌گفت. در یک روز گرم تابستان، جمعیتی بسیار زیاد به استقبال آمدند.

● برای حضرت‌تعالی از خداوند متعال آرزوی توفیق بیشتر داریم و از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، از شما تشکر می‌کنیم.